

## اولاد محمد شاه سوامی حضرت شدیدگان سلطنت نیامده

اویل و احمد

اور خیریت حسین علیخان و عمه امیر خان ستر سلطنت پروردید ایشون اعمام الدار و میر محمد امیر خوارج خدمتی خیرالملک کے خلاف دفعہ فوت آئی خدیسته امیر خان بعد اول نظام الملک بیرون قصر علی خواجہ نویں ایشون خذیر الہما کے شدید کششی اول امیر خدا را صنم عالم الدار و میر خان و میر خان خداوند خان کرد و تکه نادیشناه بخود مشدید پرورد و در دشمن الداره ملکو خان کشش و میڈب صداقت خان کششی سوم جہران الملک اول خادم علی خوارج خیریت حسین علیخان و عمه امیر خان ستر سلطنت پروردید ایشون ایام رفاقت یہ غفتہ اسرار الدار و میر خیر خان  
جفت ہزادی اسد الدار و میر خش رسانہ ستر سلطنت داع و شیخ سعد امیر خان ایش و میر امرا اور منصب دار پسیار  
بودند کمی عقصیل ایشون کنگنی ایشون علی خیر ندادو

ایشان پیشتر که حدایت نموده و احتمال داشتند حسین علیخان و جنبد اند خان بیوقوت رفع القدر بیشتر از این حسین برآورده مدوشده کردند و خود می دستگاری  
که را افسر محمد امین خان مذکوره باشنده را نظر سلطنت داشتند که درین اعیان نموده و در محاکمه هنرخی سپسرا خاطر ترشتن نشستند که با خود ساده شدند  
و باید شما بیشتر از مادر می خواستید که یعنی دفعاتی در دولت خان پسران و پسران ارشاد داشتند همین اتفاق نظام الملک از میرزا علی خان مسکن نموده و مسکن علی خان  
بر و متصرف شد و قرار خان را بافت که قطب الدلک دارالسلطنه شد و همچنان مدوشده شدند پس از آن مسکن علی خان بیوقوت مادشاه به تبعیه نظام الملک  
و نیز مدتی نگاهداری نمی نمی کردند که بیرون نموده از قطب الدلک دارالسلطنه شد و خان را زاده ایشان خان ایشان پس از مسکن علی خان  
شیوه ساخت خود را از دست آمدان حسین علیخان کشتند شده و خان را در زاده خسرو علی خان بیرون نمودند و این داقمه را باشنده شد که شدید اینهم قطب الدلک  
باافت نموده قطب الدلک نداشتند این خبر سلطنه از این حسین بر رفع القدر را از حسین بر آورد و در فوج خان آباز رفاقت نشانید و بعد از شدید  
نشکن بر رفاقت آزاده پیکار کرد و بدین از این طرفت فوج شاه باشنده بر آورد و بعد از این خبر عطیه المدک میشد که اند خان استشده و محبوش شد و قطب الدلک  
و شاه ایشان برآورده و مذکور را مقیمه شدند و خان را فوج ایشان با مشهدی سپرگرد

بچون این باکشند بیس دیماشق و غافل از امیر دست سلطنتی بالکل لا یعقل به درگرس که بر رکس و موبه از طرف بلوش شاه حاکم بیو خود را هلاک جنگ  
من پیشواسته است یعنی نکور شاه اینچنان احساس خفاقت نمود و شدن شدید از محل و زندگان و خزانه افتخار است  
که بسته از پر فاخته است قاع افتاده که زمامه را بخواسته از نتیجه که از وغور فتحه فریش بانی دام سرخوشی باشد بخوبی که دشمن را ملایم است و در  
است بسته و مدهوش بودندن بخواب یکی هم نپرداختند نه چار در این مطلع که محبوث شاه را بسته سال از جهود گذشتند او فرزند از خود را  
پسند و شدن بخود دلول که ایام و میلاد آنها و لایهور را قمع نموده که نالی که سه چار منزال از دین بسته نمکل از دل از وقتی پنه غذت از گوشی خود  
بپرسی دنی و بعیت پساه داشت که حسره بوده آناده خنگ بددند خان دوران خان کشته بخشد و برگان الحکم رفته ایسرا کرید قدر  
و مترا از مصوی ترا ریا نشست محبوث شاه را ای علاقت نهاد و شاه استحال نمود برخاسته بخید تاد رشاد هجراء  
خویشند است بیهمان نهاد آنها در شده بجهلس میمال مشخونی دارد که کروعه او بیان شان شهر مشهور بگردند که محبوث شاه که زمانه نهاده نهاده نهاده  
و دسته اند لسته بر شکر شاه مسروع گردید تاد رشاده فی طبع داشتند سر و دن آنده بقدر عالم ملکه عاد نایمه و نیم پاس قلع غایت که شکر  
آخوند شفعته محبوث شاه اهان خادیست بزر مردم بقصیحه بخیه نهاده از اینچه بخشنده نهاده هم فرم شفعته ناد رشاده و بخبا عیان آباد  
مانند فیواج و لر ششندار و در و میتوخ خال خنگ که فتنه پایران مراجعت کرد

لیبر	نار باشند	ساز و لایت	علی علادست	سلطان جلوس	علی چلوس	سلطان	سلال و نات	مشیر و امداد	مشیر	سلطنت
ابوالحسن علی الدین	بمندی شکر خوش	اعزشاده بدر	میس ایشان فخر	بن محمد	بمندی شکر خوش	بن محمد شاه	دو دعوی مسحی	فریض	فریض	چند ماه

او لاد امیار

بیشتر از اتفاق ملک گیری نشد مگر در بحای شاشنگ او و دیگر امیران  
نمود و نه کم پدر پرای و پیش احمد صفویه در رشت و سپاه عظیم امیر و آفرینام شاشنگ از امیر  
وزیر کشته شد و احمد شاه در رشت شکست پا فتوده از جمعتیه بر لایت خود  
کشید و قشیکه از سر زدن لصوب دهن بعد قشیعه شجاع خود شکر و نادر  
آتش را به خبر گرفت و محیث شاه مشغله بریت

در زمان ایشان کار تراکم مور جل سعد و فتنه چنان چه ملک شد که پس است مردم را نادین بگذاشت و قدر  
نمایست خان و امیر اباد و اود وه شیر فته صدر را خواست هم بر علی مراد آنها را با خدا سلطان خوش بر علی مراد  
شکست و چیز توانند را آگاه نهادند و لایه روز و قدران نه بشیر سخن از ایشان ندادند و در حکومت باورشان اسوانی نداشند و ملک  
کشند عرق و چپر میشند بیش نزد داماد شاهزاده ایشان در داشتند "ایمی پازند امیر احمد و باشیخ ایلک" مطلع نموده و رکعت  
لیست . و داشتند "ایمی پاسقدر دلگز ده باز شاهه لسب کشتن" لایه بسیار بادند ناالتفاق بسیان لایه دید و پسر شاهه کنیب الدین به کهنه طبیعت  
ملک عظیم واقع شده بترابی دهی بسیار فلجه بود اما خرس قدر بیند مطلع مگزد و بخوبه از دلبر شده و همایاد ایلک عمارت ایشان بالا  
شکنند از دیگر سلطنت ناند افواز باز شاه دو نیز سخنی مژده ای چپان آمد و میل و چشیده ایشانه و خاورش کشیده .

دیپر سرفاسٹ

ذکر پادشاهی از احلا و امیر تهمہ بود.

لیبر	نام بادشاہ	سال ولادت	محل ولادت	سال حدرس عمل علوس بیان فاتح میں وفن	جنگ تحریر	سلطنت
۳۰	خونلیلیں عالمگیر شانزہیں هزارہ	در صوبہ درہ الہ	دہم جوہستہ عمری نہیں	دہم خسرو دریخانہ فخر دہم خسرو دہم خسرو	دہم خسرو دہم خسرو دہم خسرو دہم خسرو	شتر سال بیت شتر درز

او لد دایی او عالی گهربیز را بعیت خیر ز آشنا کرد و خیر اطلاع دیر نداشته خیر انس پیکم و بقدت الله بیکم  
و پیگر معلوم نشد

وزير الاتصالات والبنية التحتية محمد عاصم الدين خان وزیر وزیر رئيس مجلس الوزراء امیر ساریہ مرا

ایش نزام اتفاق ملک گیری نشد برگاه عمامه والملک احمد شاه را کو رسروه مقیدی ساخت خیر الدین عالم گیر ناند را پسر شد  
و ساخت سال بعد حسین برآورد و نیت نشین ساخت در زمان ایش را در سلطنت جر تا پیش نمانده دعید ایش ان احمد شاه  
در آن دشنه باز مدل اندوناییست پوری صره کرد پس از غیبت لذ دلی و آگه برد مرد خاندان تبریز قراخته نمور آمود و قلعه  
احمد شاه عمامه والملک که از خود ایشان بطریق فخری اباد رفته بود را باب احمد خان نیکش در کشور ناچیه مملکت مریم را پس از گرفتن  
به همی آمد پس بحیله الدویه را که بخداش احمد شاه پیشی باشد شاه خار لیهایم بود درست اخیره بدستور پسر سلطنت ساخت  
تو زاست که عالم گیر شاهزاده اگر خسته و قید سازد عالی گیر در عاندن پیشی باشد مصلحت نمایند و بطریق

و محبه هاشم در دسته "باقوي عاد الملك" مرتبه کاپیتان رعلیه که دندر خند و سهیان عازم امدادگر تاں کیا صرف نمودند  
آخر لرمان تهدیشل زواب شنیا و الدوامه و حسب الدوامه خیره برا می مدحون احمدت آه اینان تبار بطلب شور و نز عاد الملك از عازم امداد  
احمدت آه مدبیشه اگهه باعی المکر زنان میبل هنگه لور و دیا چیخت الدوامه شفاف نموده عالمگیر زنان را بگشت و می انسپیشن کا اخشن بن  
لو زنگ زیس را متفق پشت بجهان شانی گرد و برا من ما ایشت دنت نید و دین اشنا احمدت آه ولد کر چیزه و عاد الملك کر چیزه  
در دیشت بیو غصی شند و چیخت الدوامه ما سا فرا در اهل از دست شده فتشند و در تائینی دیسیه بحقاند برآ عد شده امده بعد جنگ  
عظیم و تاگ شده شند و شکران بر پیش یافت و دست مراغه کشت از کاید کن رسیپها و سردار خاده بالاجی  
پیشو ابد خرمی گر ازان بینند و دسته ای احمدت و تاراج نموده شا بجهان شان رانموده دسته بجای آن چوان گشت  
پیش عال گور را چیخت دنت نید و شور و حبک احمدت آه گردید رسیدان چان بست جنگ عظیم واقع شد بنا که با پرا مان اسرار  
مرزی پیشنهاد فندگو نید تا شمشت کر جنون مریمه هاشم ای سر ای احمدت آه پیدا بس افتح چوان گشت داید ستر زناب  
عال گهر که در ای زهان دنیگانه لور و گذا ایشته و چلعت فزادت



ذکر پادشاهان و ملی رهبر اسلام ایشان

• ذکر باریثهان دلیلی از نوادر امیر بهادر

اول احمد او وفات یافتند و نیم میرزا شاه رخ فوت نشد و میرزا محمد سلطان فتح الملک شاه بخلاف عرف  
میرزا محمد فرزین و لیلیت شده و فاست کردند چهارم میرزا قیام میرزا غلام ششم میرزا عبدالله و میرزا زینت الله  
و میرزا فخر خان شاه متوفی میرزا محمد میرزا خضری سلطان و میرزان جوان بخت  
و شاهزادی های میرزا راندماه شاه مردمان محشر  
لبنی پیش نبا فت

اول پرزا نخونیگ فنا طلب بچشمید الدوته بعد آن پیر جامد علیخان و بعد آن پیر زاده پر خستوی عمارالمجاهد کار خانه باشند هم مانند.  
و بعد وفات دیگر چند کس بان ختارت پودند بالفعل محبوب علیخان خواجہ سرا کار قصار می میکند بخلاف اقران الدوته حسین کیم  
وزیر اول را  
چنان در منزله باشند به سیار دخل و تقرب دارند

سوسی اندرون قلوبه بسیع با حکمت و تصرف نزارند پرستو ر پدر بزرگ ارجو و حضرت شریش بعد از این مکاوه بهمان یکسک کهنه بزمیزه خانه خواست  
آسل چند دیپهایت و نقطه که مغیره با سلاطین و امراء قدریم  
و مشعلیان و ملذذ عذان شناس بر لمحه قات  
میفرماییم

این بادشاهه اگرچه نادر صاف و احلاق و فیض بگشتن و شان و شوکت و سیرسته دست چشم است و برگشت و تعلیم خود  
متناشد پدر خود فتح‌پور اگر بادشاهه مسیح نیست ندارد بلطف عده زمانه کل روایت بر عیان نداشته باشند مردم از جمیع به فیض  
شان سیریب پیشوای راه علم هنری و فن شاعری و سخاگاه  
عمل خار نموده درین پیرامون سال عدالت شاه فردیق  
عہدات کا مل است

جدول حفظ دم دذگر اسعاہ سلطانیں انگلستان

ایپھل مرٹ	ایپھن بالد	ایپھل ولف	ایپھل
سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس
و سال ۱۰۰	و سال ۱۰۲	و سال ۱۰۴	و سال ۱۰۶
ایپھل اشتن	ایپھل اشتن	ایپھل اشتن	ایپھل اشتن
سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس
و سال ۹۰۰	و سال ۹۰۲	و سال ۹۰۴	و سال ۹۰۶
ایپھل اگر	ایپھل اگر	ایپھل اگر	ایپھل اگر
سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس
و سال ۸۰۰	و سال ۸۰۲	و سال ۸۰۴	و سال ۸۰۶
سوین	ایپھن دسرا	ایپھل دسرا	ایپھل دسرا
سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس
و سال ۷۰۰	و سال ۷۰۲	و سال ۷۰۴	و سال ۷۰۶
ایپھل تیرا	کوئٹہ دسرا	بلپورا	کوئٹہ تیرا
سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس مت بگنا سال جلوس	مت بگنا سال جلوس
و سال ۶۰۰	و سال ۶۰۲	و سال ۶۰۴	و سال ۶۰۶

اسماے سلامیت انگلستان

ہری پلہا	دیم رفس و مرا	دیم پٹھانوں نارین	ہری دوسرہ
سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جان	پٹھان پلہا	ہری دوسرہ	استین
سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس
۱۱۹	۱۱۹	۱۱۹	۱۱۹
ایڈورنسیرا	ایڈورنسیرا	ایڈورنسیرا	ہری تیسرا
سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس
۱۲۶	۱۲۶	۱۲۶	۱۲۶
ہری پلہا	ہری پلہا	ہری جوہتا	پچھڑ دوسرہ
سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس
۱۳۷	۱۳۷	۱۳۷	۱۳۷
ہری ساتوان	پچھڑ تیسرا	ایڈورپلہا	ابدھوچھتا
سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس سال جلوس	مت جلوس
۱۴۸	۱۴۸	۱۴۸	۱۴۸

سہارنے ششلا جنر نیشن پاکستان

بزری شوان	ابرو چٹا	ملکہ بیری	مکہ اینٹ
سل جلوس میڈ بوس سال جلوس میڈ بوس میڈ بوس	۱۵۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
سل جلوس میڈ بوس سال جلوس میڈ بوس میڈ بوس	۱۹۷۰	۱۹۷۰	۱۹۷۰
جیجس پہلا چارس دوسرا چارس پہلا	۳۲۰	۴۶۰	۴۶۰
سل جلوس میڈ بوس سال جلوس میڈ بوس میڈ بوس	۱۹۸۰	۱۹۸۰	۱۹۸۰
جیجس پہلا چارس دوسرا چارس پہلا	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰
سل جلوس میڈ بوس سال جلوس میڈ بوس میڈ بوس	۱۹۹۰	۱۹۹۰	۱۹۹۰
ملکہ بین دلیم تیرا جارج پہلا	۱۴۹۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰
سل جلوس میڈ بوس سال جلوس میڈ بوس میڈ بوس	۱۹۹۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰
جلیج دوسرا جارج تیرا جارج جوٹ	۱۲۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
سل جلوس میڈ بوس سال جلوس میڈ بوس میڈ بوس	۱۹۹۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
ملکہ ویکٹوریہ			
سل جلوس میڈ بوس			

جدول پنجم در ذکر تفصیل و تشریح سب بجات کشور پہنچ و سناں مع تعداد فحیالات و مو اضافات و عرض و طول  
در افغانی و محاذیں بحسب تاریخ  
چارکھشان محمد شاہی

نگارش میرزا

کیفیت

و بعد پادشاه ناین صوبه اندر پرسته لو دواز افليم سوم بست و لاز وقت بر راه به روی پرسته در ملی قرار پریافت و در پنجه پرسته پیری ماجبه  
انیک پال در پنجه را پیش را و در پنجه سلطان فیض الدین دلی را تحقیق کار خود را کم و منع در پنجه پیری میگردست  
و دلی شیر عی پنا خود را کرده غیر وزرا باد نام نبا د و در پنجه پیری میگردیت یعنی تقدیر کهنه دلی را از سر زو تغیر کرد  
و دلی شیر عی بن شیرشاه پکنار در پام چین قلمه سیدم کدڑه بنا باد و در پنجه پیری شا بهمان

پادشاه قلمرو دشمنی دیده ساحل در پامن جن تحریر  
گزده شنجهان آباد ناگزیر که او نادشتم خوم

دران قلمونا خلا سکونت و اسر

## دشمن و ملکہ در تخته حکومت

۱۰

ذکر صفتیات بندمه ملک

ملک و مرض	بسم	صبه	بسم	صبه	بست جن	بست شاه	بست شیر	بست غیب	بست شیر	بست کمل	بی صل کمل	تعادل اراضی	تعادل حمالات	تعادل رتا اسرکل	تعادل حمالات	تعادل متعلق	در راست صوبه	تعادل حمالات	تعادل حمالات	نام صوبه
مودع طو زد بدهم پور نایرل ماهی کرد در قنیچه تا چند پرسی پل صد که	جنگ پریز متخلصه صوبه ادجین بالوه	دربیانی لعک طرفه فرج الراباء	کلکام پور شعله صوبه شایخان آباد	پرگینه بول شعله صوبه الراباء	دوکر مر عیله لک امیریکه	دکر مر عیله لک امیریکه	دکر مر عیله لک لوس													

کیفیت

صوبه اگر آباد از آقیم دم است و هبده با وان مک دیسه و دیز پر گنه پیانه سلطان سکندر او دم در زمان خود دارالسلطنت  
قرار عاده و بادل گفته و بادل کر مثیه بر ساخته و بلال الدین محمد اگر باد شاه درسته جلس خود فلکه اگر آباد بخوار در بیانی جهن  
که الحال خود رست بنام خوار لمیار کرد و در او لا و ایشان حد تها مستقر بخواه ماند و شایخان  
باد شاه دیوان علام دیوان خاص دیگر قتل خود و نه تعالی گنج  
که بی بیشان زراب بخت از هنر سیگم

دسانگانه مژون است

تیرخواره و قرشا بجهان

بمانی است

## نوکر مسویات پندوستان

١٢٣

این شهر اول پاکرده راجه آج است از اقیم دم و زیادی این شهر و میان کوه واقع شده و در زمان سپاهکش کوه را امیر گردید  
با پرداز نام این شهر امیر گردید بعد شهر پیاوه این جلال الدین محمد اگرست امیح و میگر سکانات بنانه و فرض این شهر قدم است  
و اب دیر ایاکزه دارد و درگاه حضرت سین الدین چشتی  
قدسره پر تالا مسجد جلاله وی پیشتر

خواستگاری ملک

پیو دریں شهر

در زمینه مارپیچ

ج

۷

ذکر اصیلیات بندستان

درست

نام صوبہ	متعاد نام	شناخت	شناخت	شناخت	شناخت	شناخت	شناخت	شناخت	شناخت	شناخت
میر کاراٹ	وزیر اعظم صوبہ	سرکاری	وزیر اعظم صوبہ							
میر	میر	میر	میر	میر	میر	میر	میر	میر	میر	میر

کیفیت

اوچین شہر قیم نہ ت واقع کند سپر لندی از تقویم دم تھنگاہ راجہ بیر کراچی و راجہ بھوپر تری خیبرہ و مارکوت  
مالوہ یعنی شہر بودہ پیشتر سیاشرہ زیادانی فتویاب و بہرالنبوت حمل

بیسا پیغمبر علیہ السلام و مسیحہ

پور و درین شہر میں بعد

نگاشتہ مائی مو و پیشتر لند

الگزون در مطلاع

بہمنی

پھادر

دست

## ذکر صوکات سپهبدان

طبع	مختصر شده	معنی	معنی	معنی	معنی	معنی	معنی	معنی	معنی	معنی
طبع و عرض	صوبہ	صوبہ	صوبہ	صوبہ	صوبہ	صوبہ	صوبہ	صوبہ	صوبہ	صوبہ
طبع	آوزگ	آورده	آگرہ	صوبہ	صوبہ	مرتک	لیب کروہ	عسکار	الله آتاو	صورہ
از خود خوار	آباد	وجود داشت	آباد	آباد	عزم	کرد	غذیم آمد	مالک	دعا	الله آتاو
بنگوہ جوشی	اہم	بنگوہ	اہم	اہم	اعظیم	کرد	عزم	عزم	عزم	عزم
ما ب کروہ	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔
عرض	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔
از خوبی میسر	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔
نا لگنگ نگداختم کروہ	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔
اعجب کروہ	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔	۔
						لک	لک	لک	لک	لک
						ستے	ستے	ستے	ستے	ستے
						دم	دم	دم	دم	دم

二三

او در قدیم نام این شهر پرگ و نزد هاگن پورورای بک بود از اقطیم دوست چه کاه جلاں الدین اکبر قلعه  
سنگن مرک و رما جا شکه کنگا

وَهُنَّ ذُغْرَفٌ مُشْرِقٌ تَارِكُوهُ

دندام آن آله پاس نماده

وشا مجہان ناوشاه

در عین خود

الْأَمَادِيُّ

۱۰

٢٣٦

۱۰

س

چند ویرایی پرستشگاه بزرگ بوده است.

## ذکر صوبهای پندهستان

| نام جزوی  | متعلقه صوبه<br>نمکو | تعداد رفاه | تعداد محالات | دمو اضطر | صوبه     | محصل     | صوبه     | صوبه |
|-----------|---------------------|------------|--------------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|------|
| صوبه اوره | صه سکاره            | پاکستان    | پکر کرمه     | پاکستان  | پکر کرمه |      |

## کیفیت

اوج دینها شیر قدمیم از اقلیم دهمت پیشتر داد حکومت راجه رام چه واقع کست رور یا می گهاره  
بود فعبه بزرگ ہونداست اکون اور ده میخواسته پھیل دهست کرد و در طول دشت نہ کرد و در حق

قزوغ و مکن پوریه ایچ  
کھننو که بر کن ر  
کوئی واقع هست  
مغلق ہیں

صوبه  
دشت

## ذکر صفات بند و ستان

• 6

مختصر

اول نام این شهر عیشه و تربه پسران میگفتند از قلم دوم است بلده بزرگ و ابا وان است بزرگ آن ایزگزیریب  
در عیشه گزیریب نژاده عظیم ایشان حلفه محمد عظیم سیار  
شاهزاده نام آن عظیم آیدیف و نه دریایی شنگا و جن

دُخْرَةٌ وَنَهْرٌ

6

16

3

1

3

ذکر صوریات هنر و متن

نام شعر	نعت از نام کنگ	نعت از خالا	محتوا	معنی	محتوا	نعت از متن	نعت از صور	صور	صوبه										
مول	خود را که	خود را که	حال	حال	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	لای	
از بند جث	بینان پر نگر																		
گاوون	وادود و کریمه																		
تمادا کار	وارد پر در																		
اسمازو	وکار و فیروز																		
عمن																			
ذکر و شیوه																			
ناسر کرمه																			
طاک رو																			

کیفیت

صور سکاوه از آنچه دوم است اول نام این نگار بود و یکی از فرموندان انجام خیابانی به پنهانی ایشان در عده و بلندی و در عده  
بسه از ازال نام زد از از افت یه سکاوه زین دو افق شده این طک از دیباخ شور مشتمل است که با عتمال و سرما کم

پیشو وزراحت شال بیدار است و خوش شر سکاوه

آنچه بین رنگ و میس هستند دم اکثر سیاه رنگ و گر

تله قد من پاشند و زین صور به داده که

که شیر کلاشت باغات و غیره

بیشتر دار و هر دفعه تبریز

و پارچه مملو و خایدا

دران دیار

خوبی سازند

نذر صورات هندوستان

نام صورہ	تعداد موتاں	عدا مجاہد	وفارسی	نام صورہ	تعداد ایسا	حاصل کل	سریتے	سمندر	ستے	ستے	محل
	سرکاریت	درخواست	جوہر		میراث	سرہ	سرہ	سرہ	سرہ	سرہ	در من
مول	عمر برا کا	مال مصالح									
لار محمد اباد	حدائق سکار	موض									
تاج پار	جسب اباد	بیلک									
ماسکرہ	میلت	ملان									
عومن	دکنروپ										
زی فاری	بسیم اکبر										
تاکو	محسرو اباد										
پکھر رہ	غیرہ										

کیفیت

بیوہ بہو دیسیہ از اقليم دوم کنار دی یا شورہست بیست و نه قلمہ سچتہ دار دیسیکوئند دان جامہست ماہ بارش ہست نرست ماہ  
ہستان و بگناہ تیاستان بیوہ دھل کیوٹہ رپان بسدار پیدا امیشود تبرت جگنا ٹہہ لہ بردیاں بیشور واقع سندھ مقع دیگر محلہ بیوہ  
دربین صورہ ہست گوئند کہ لکن ان انجاوی وقت کتھا اس سے مدد و دس را غصہ خصہ سختندہ  
و غصہ مددست جگنا ٹہہ کشنند بھائی ہکاغنہ برگ تپار پیگاہ برندہ زرڈک این  
ملک شہرہست کہ زمان کار بیاست مردان کشند

و مردان لباس نمان

پوشند گزویت

جامعت مردان

کادر و اہل

کنشہ

ذکر مربوطه بند وستان

نام	مداد نام اسلام	نخداویان	سیاست	عادل اراده	عابد کل	ست شرق	ست غرب	ست جنوب	ست شمال	طول	عرض
سورة	متخلقه صوره	دو هوا صاع	صوره	صوره	صوره	صوره	صوره	صوره	صوره	صوره	صوره
صوبه	لپرس کار	حال	کافه بجز	لهم کرو	لهم بجز	لهم لك	لهم احمدك	لهم کران	لهم شور	بجز	زیشه بیک
جوان	حوال	هوسه	بنصره بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	تیشه بیک
حکمه	دوچنان	الله	شایر بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	لهم بجز	و حکم کار
عوض	ونیر ایاد	شنه	بند	بند	بند	بند	بند	بند	بند	بند	زیشه بیک
زبرت تما											
بند مری											
ما رده											

کیفیت

صوره تهدیه بیک از آقیم دوم است پیشتر داخل متن بود در زمان پیشین تحملگاه بنی تم الصلوی بود که ارشان پایانند  
مال سلطنت بدل و نه قدره بزرگ، داشت که هزار و چهار صد بیچ بود کان نک و این در بزرگ تهدیه زیکین دران لواح  
دست و برخی دهای بسیار پیدا نیشود و دریامی سند

و انجیب در اوی و مستحب وغیره بغاصله

شی کروه ار سیهو به عیج شده

بهریمی

شور  
شعل  
میشند

ذکر صویغات هندستان

نام سربر	تعداد زمام سرکارات	تعداد معاشر نمکور	موضع متعدد صوبه	صوبه سبز	صوبه صوبه	محاصيل کھل	تعداد اراضي	سمت شرق سمت خوي	سمت شرق سمت خوي	طول وعرض
صوره شہر دوست منیر مسعود پہلی وغیرہ	رسکار کشمیر دکار وہب مائمه بس	رسکار کشمیر دوست مائمه مائمه الله	کاغذ عور غسل کرو پر فرشاں کی نمود لک زیستہ دارا ضفہ اس پیز لعہ موندا لقد سے لے ساموند پر کھن لماں دار	درزیایی دو ریایی کشمکش	کروہ کلان کلہران	دلايت نحو روڈ	کروہ کلان دو ریایی کشمکش	چاب	کروہ کلان دو ریایی کشمکش	طول از دورانی کشتنگ اعده عرض نمکوره

三

حصوک پیشییر از اقلیم صومنگ است واقع در میان کوه حال سردی و برف باری و خوبی آب دهه اند کثرت باعث  
نموده و گل و پوشیده و غیره فماعدن آنجا مشهور و معروف نیکونید اول کشییر پادگزاده حضرت سلیمان علیہ  
صلوات در زواح آن عجائب بسیار است خصوصاً چشمها ای آب تاثیرات عجیب داردند و رعایت نمایند  
کلودت راجلیان نیز و مانند از بستانه بجزی په قبضه سلاطین اسلام دلیلی در آمد بعد از آن در قبضه

جلال الدین اکبر داولادش با عهد محمد شاه چشتی ماند

بعد در تصرف شاهزاده افغانستان بوده

من بعد بعضه مباراج بحث

## ۱۰. مکون پیشنهاد ست

۲۰

سوانح از اقلیم سوم شهر قدیم است جمله در مایی پنجاب نیران شهر برمایی بیا و شامل می شوند قلعه خشتی  
سخکم و آرد و اوں دور تصرف راجه کان دہلی بود چندی حکومت آنچه حکام سندھ داشته بود ازان به تصرف غزوی  
ماند بعده از عهد مغزالین سام و ایشان متن بلج گذاری سلاطین دہلی می نمودند از وقت اکبر و داخل صوبہ  
سندھستان گردید بعد از خطا و سلطنت چوتا بر تصرف آفغانستان صد و زیستی امداد از پیش ریخت منگه انتزاع کرد اکنون

بقبضه سرکار نگزیرنگت مزار حضرت شیخ

بیو والدن زگزما دسید خلاں کخاری

دیوبندی دین و ادب شمسی

و خبرہ سید اولیاء زن

صوبہ

ذکر میکاپت ہندوستان

وہ

نام منوبہ	مختصر کارکردہ محتوا						
نام منوبہ	مختصر کارکردہ محتوا						
دو رہا ایک	دو رہا ایک	دو رہا ایک	دو رہا ایک	دو رہا ایک	دو رہا ایک	دو رہا ایک	دو رہا ایک
بائندوگرہ	بائندوگرہ	بائندوگرہ	بائندوگرہ	بائندوگرہ	بائندوگرہ	بائندوگرہ	بائندوگرہ
ماجہت کروہ	ماجہت کروہ	ماجہت کروہ	ماجہت کروہ	ماجہت کروہ	ماجہت کروہ	ماجہت کروہ	ماجہت کروہ
فرم	فرم	فرم	فرم	فرم	فرم	فرم	فرم
آز فرمایع قند	آز فرمایع قند	آز فرمایع قند	آز فرمایع قند	آز فرمایع قند	آز فرمایع قند	آز فرمایع قند	آز فرمایع قند
لطفت سرا	لطفت سرا	لطفت سرا	لطفت سرا	لطفت سرا	لطفت سرا	لطفت سرا	لطفت سرا
ما کروہ	ما کروہ	ما کروہ	ما کروہ	ما کروہ	ما کروہ	ما کروہ	ما کروہ

کبیت

بهرہ مابل از قائم سوم وچارم سمت از بیان دقدحه سمت واقع ہندوستان فدرستکم باروہ بنشیک بن توپن فریدون دارو و  
ابادی کابل را زیادہ از دہنراو کم از بسے بزرار سال پیشود برف بسیار می بارو دو عین مرسلہ رہ سبڑی نیست  
اب دھوے معتقد اور قوت دار دکشت باغات سرہ و بگل کابل شہر افاق سمت شنگناہ او لاد امیر تیرر بوجپانچہ اکثر  
باغات دیوارت عده تیمیر کروہ بابر دیکیوں دا تکر جھہانگر وغیرہ سلا لین تیرر یہ در کابل بخود سستہ قریار دیر زانڈل  
خلف بابر د محمد کیمیر را خلف ہمایوں در کابل سمت بعد ان بجا ط سبلفت تیمیر یہ جنید س شرف نادیت شدہ دان بعد  
کائناتگاه احمد شاہ در انس دا لادش بود

اکنون درستے محمد خارق مصیرہ

مشدیدست درین شہزاد

سوکیل اسلام ہندو بسیار

کنز اند بعنی زبان فائیسی

انسانی بیسی کرسن

نمایند

ذکر صورتیات و مفہوم

۱۰

صوبه اور زنگ آباد از اقیم دوم در طک دکن بست در زمان سابق نام این دو مرکزی و پیوگنه بود چون سلطان فخر الدین  
پسر شاهزاده میان دہلی تھا کہ دکن را بسط خواهد کرد قلعہ دیوگنه را دولت آباد نام نہاد و عدار اس لفظت خود ساخت  
هر گاه زست فتوحات دکنی به اورنگ زب عالمگیر سید ترندک ہالون

در موسم کمرکی شیری در کمال نطاافت و رستقانم آباد خشته

نامنی حبسته نماید و لعنه گذاشته باشد و گزشتہ سر قبر میخورد

## مکالمہ سکریخان نازکی پیشہ

کلی و سفری میباشد

مکتبہ دینیں

دیواره پیان

۲۷

7

1

2

1

4

۰ ذکر صوبهای سند و سخن

نام صوبه	متوجه صوبه	دوانی صوبه	تعداد افراد مسکونی	تعداد افراد غیرمسکونی						
صوبه	صوبه	صوبه	صوبه	صوبه	صوبه	صوبه	صوبه	صوبه	صوبه	صوبه
آذخانو و سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
پیشنه تا بند	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
اصحای خواز	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
و سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
درست	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
خواز خارج	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
تقطعه بر راه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
تامال باران	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه
درست	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه	سرمه

کیفیت

صوبه خاندیش عوف برگان پور از اقلیم دهم واقع هنگ و کن است شهر قدیم بر لب دریاچی رو دینی باز از مردم طفه نهاده  
دلبر و همایت پخته و گل صوبه سند وستان بسیار و مردم پسر پیشه بی شمار و خوشهاي صندل و پیونج در لب تنزل و قشاید پیچیده  
لشنه و کلاهتری وغیره اکثر باشد در زمان اکبر از اخنادیش سماجیگری شاپرزاده و انسان

در زمان اورنگ زیب بیت برگان اللک افتاده داد در اینستی و نیز

آن زیاده کرشید ره امشی پر پیور زیاده قلعه

السیر و احمد نگره بسیار مشتمل زند

سبت علی میر صوبه

سبت

نام صور	متلاد رکستر	نخادر محال	دروانچ صوره	تعداد صوره	نماینده	تصویر	صوبه	تصویر	نماینده	نماینده	نخادر محال	تعداد صوره	نماینده	نخادر محال	تعداد صوره	نماینده	نماینده	
طعن و عرض																		
از ساله تا اینجا مال کرده	بندیه	پیکانه	پیکانه	دو کوڑہ	سرکاری													
عرض					میلک													
از زندگانی مال کرده					مالوں میلک													
					سرمه													

### کیفیت

صوره بردار از آقایم در میثاق اتفاق داشت او نام اور در داشت پستانه را که بینه و گذون فتح پور گویند  
شهر قدیم است جای حکومت راجه بک ما جیب و پیر تری ساکنین انجا حسين و اسراره وزنان انجا با بسوزی یورداسته  
با ششند و محل و میوه و عمارت پخته و بانارد در طرفه  
وقلوه سنگین دار و گویند درین صوبه

### چهلی رست

کبردر خود

ستخوان

دیگری

که افتاد سک سکه کرد